

شروع به کار تلویزیون در ایران (1337 ش)

با راهاندازی و بهره‌برداری از نخستین فرستنده تلویزیونی ایران در یازدهم مهرماه 1337 ش، تلویزیون ایران، پخش برنامه‌های خود را آغاز کرد. تلویزیون ایران در ابتدا به صورت یک بخش کاملاً خصوصی اداره می‌شد که ابتدا در هر روز چهار ساعت برنامه پخش می‌کرد. این تلویزیون برای گسترش مناطق تحت پوشش خود، در سال 1340 ش فرستنده دیگری در آبادان و یک فرستنده تقویتی در اهواز تأسیس کرد. در اواخر سال 1342 ش، تلویزیون ایران از ساختار یک شرکت خصوصی به شرکت سهامی تلویزیون ایران تغییر شکل داد تا این که تلویزیون ملی ایران با امکانات یک استودیو، سه دوربین و دو دستگاه ضبط مغناطیسی در آبان ماه 1345 ش، به صورت تلویزیون دولتی و به طور آزمایشی آغاز به کار کرد. در نهایت، سازمان تلویزیون ملی ایران در 29 اسفند 1345 ش رسماً افتتاح شد و کار خود را وسعت بخشید. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران به صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران تغییر نام یافت و با گذشت زمان، فعالیت‌های این سازمان به صورت افزایش فرستنده و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی در تهران و شهرستان‌ها رو به گسترش نهاد. چنانکه تا به امروز (1382 ش) این سازمان دارای 30 مرکز در استان و شهرستان‌های مختلف ایران، نزدیک به بیست شبکه سراسری رادیویی و تلویزیونی و بیش از پانزده دفتر منطقه‌ای در کشورهای مختلف جهان و ده‌ها شبکه رادیویی و تلویزیونی در تهران و شهرستان‌ها می‌باشد. همچنین طی سال‌های اخیر شبکه جهانی جام جم، بخش وسیعی از دنیا شامل قاره آسیا و اقیانوسیه، قاره اروپا و شمال آفریقا و قاره آمریکا را تحت پوشش قرار داده و شبکه جهانی سحر نیز به چندین زبان برنامه پخش می‌کند. همچنین شبکه خبری و بین‌المللی العالم از ابتدای سال 1382 فعالیت خود را آغاز کرد که در سراسر جهان قابل دریافت می‌باشد.

ادامه پیشروی دشمن تا 15 کیلومتری اهواز و اشغال منطقه غرب کارون (1359 ش) چند روز پس از تجاوز دشمن بعث به جمهوری اسلامی ایران، ارتش عراق با پیشروی در جبهه‌های جنوب، قصد تصرف شهرهای دزفول، شوش، خرمشهر، آبادان و اهواز را نمود ولی مقاومت‌های شدید مردمی، مانع این امر گردید. دشمن پس از چند روز پیشروی در جبهه‌های جنوب، از اشغال این شهرها مأیوس شده و ناجوانمردانه این منطقه را زیر آتش سنگین توپخانه و حملات موشکی خود قرار داد که به شهید و زخمی شدن تعدادی از مردم مظلوم و بی‌پناه جنوب منجر شد. رژیم عراق در ادامه این تجاوزات، تمام تلاش خود را برای تصرف پایگاه هوایی دزفول به کار گرفت ولی از اشغال آن به خاطر مقاومت‌های مردمی بازماند و وحشیانه، شهر دزفول را زیر ضربات سهمگین موشک‌های دور برد خود قرار داد. شهر شوش هم گرچه هرگز به تصرف دشمن درنیامد، اما همواره با توپخانه دشمن مورد حمله قرار گرفت که در این حملات به مقبره حضرت دانیال نبی(ع) خساراتی وارد گردید.

قطع کامل روابط دیپلماتیک ایران و عراق در اوج جنگ تحمیلی (1366 ش) روابط سیاسی ایران و عراق که پس از امضای قرارداد 1353 ش (1975 م) الجزایر، رو به بهبودی می‌رفت با وقوع انقلاب اسلامی به سردی گرایید و در فاصله یک سال و نیم بعد از پیروزی انقلاب، وقوع حوادث متعدد و درگیری‌های پراکنده، باعث ایجاد تنش در روابط دو کشور شد. شروع جنگ تحمیلی و حمله سراسری ارتش بعث عراق، از نقاط عطف روابط بین دو کشور به شمار می‌آید و از دیدگاه روابط بین‌الملل، منشاء اثر در ارتباطات دیپلماتیک محسوب می‌گردد. حمله عراق به جمهوری اسلامی ایران در 31 شهریور 1359، اگر چه نقطه اوج این تنش‌ها به حساب می‌آید، اما روابط رسمی دیپلماتیک همچنان برقرار بود و دیپلمات‌های دو کشور، در طول سال‌های جنگ، در سفارت دو طرف باقی ماندند، هر چند این حضور در پایین‌ترین رده‌ها بود. با این حال در پایان هفتمین سال از جنگ هشت ساله، دو کشور، روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را قطع کردند و دیپلمات‌های ایران و عراق، عازم کشورهای خود شدند.

آغاز هفته مبارزه با سرطان (11 تا 17 مهر) همه ساله یک هفته با عنوان هفته مبارزه با سرطان (11 تا 17 مهر) در کشور به بیماران سرطانی اختصاص یافته است. با توجه به اهمیت این بیماری لازم است در خصوص پیشگیری از آن به افراد مختلف جامعه اطلاعات لازم داده شود. در این بیماری معمولاً برخی از سلول‌های بدن بصورت نامنظم و بدون تدبیر خاص شروع به تکثیر کرده و میزان مرگ آن سلول‌ها کاهش قابل ملاحظه‌ای می‌یابد. پزشکان برای جلوگیری از ابتلای افراد به سرطان شیوه‌های مختلفی را پیشنهاد می‌کنند که از آن جمله می‌توان به مواردی از قبیل نکشیدن سیگار، پرهیز از رژیم غذایی کم چربی همراه با استفاده از مواد گیاهی فراوان، معاینه مرتب توسط پزشک و دندانپزشک، توجه به هر برآمدگی و یا زخمی که تمایل به التیام ندارد و به هر نوع تغییری در اعمال طبیعی بدن حساس باشد، پرهیز از ایستادن در مقابل تابش مستقیم و شدید نور خورشید، شناخت مواد سرطان‌زا و عدم استفاده از آنها در محیط کار و خانه و توجه به بهداشت و سلامت روان اشاره کرد. هر ساله بیش از ۱۰ میلیون نفر مبتلا به سرطان تشخیص داده می‌شوند. تخمین زده می‌شود که تا سال ۲۰۲۰ این رقم به ۱۵ میلیون در سال برسد. سرطان

علت مرگ ۶ میلیون نفر در سال بوده که ۱۲ درصد کل مرگ و میر در دنیا را شامل می شود. در حال حاضر اطلاعات زیادی در مورد علل سرطان وجود دارد که می تواند باعث پیشگیری از یک سوم از سرطانات بشود. سرطان ریه، روده بزرگ و معده جزء ۵ سرطان شایع در مردان و زنان در دنیا می باشند. سرطان ریه و معده شایعترین سرطان در مردان و سرطان سینه و سرویکس شایعترین سرطان در بین زنان هستند. با وجود پیشرفت های فزاینده در زمینه پیشگیری و درمان سرطان، میزان کل ابتلا به انواع سرطانات در سراسر جهان در ۲ دهه آینده ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت که این افزایش بیشتر به سبب کمبود امکانات بهداشتی در کشورهای درحال توسعه است. لزوم توجه به علائمی که فرد را مشکوک به سرطان می کند در حال حاضر از اهمیت خاصی برخوردار است.

ارتحال آیت الله "سیدابوالحسن رفیعی قزوینی" (۱۳۹۵ ق) آیت الله میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی در سال ۱۳۱۰ ق در قزوین به دنیا آمد و دروس حوزوی را در قزوین و سپس در تهران گذراند. پس از ورود آیت الله حائری یزدی به قم، به این شهر عزیمت کرد و به تدریس و تالیف پرداخت. میرزای قزوینی پس از اخذ درجه ای اجتهد راهی قزوین گردید و حوزه ای آن دیار را احیاء کرد. وی از افراد نادری بود که علوم عقلی و نقلی را به خوبی فرا گرفته و مدارج عالی کمال را پیمود. علامه سیدابوالحسن قزوینی سرانجام پس از سال ها مجاهدت، در ۸۵ سالگی به لقاء الله پیوست و در حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

آغاز هفته احیای امر به معروف و نهی از منکر «امر» به معنای فرمان دادن و «نهی» به معنای بازداشتن و منع از انجام کاری است. «معروف»، هر آن چیزی است که عقل و دین، آن را به نیکی و خوبی می شناسند و معرفی می کنند و «منکر»، هر آن چیزی است که عقل و شرع، آن را ناپسند می دارند. پس امر به معروف، یعنی فرمان دادن به انجام کارهای نیک و نهی از منکر، به معنای بازداشتن از بدی و ناپسندی است. یکتاپرستی، نیکی به پدر و مادر، انفاق به خویشاوندان، کمک به مساکین و درماندگان، برپایی نماز، پایبندی به عهد، مبارزه با ظلم و ستم، امر به معروف و نهی از منکر، پرداخت وجوهات شرعی و... نمونه هایی از معروف ها، و شرک به خداوند، زنا و فحشا، ربا، سرقت، دست درازی به اموال یتیمان، تکبر، اسراف و بدخویی، نمونه هایی از منکرهای ذکر شده در قرآن کریم می باشند. دستور قرآن کریم بر ضرورت و وجوب امر به معروف و نهی از منکر کاملاً آشکار است. در آیه ای می خوانیم: «و باید از میان شما گروهی باشند دعوتگر به خیر که به نیکی (معروف) فرمان دهند و از ناشایستی (منکر) باز دارند و اینان رستگارانند». دراهمیت امر به معروف و نهی از منکر همین بس که در قرآن کریم، نام آمرین به معروف، در کنار نام پیامبران آمده است و کيفر قاتلان آنان، مثل کيفر قتل انبیاست. برای امر به معروف و نهی از منکر، سه مرحله را متذکر شده اند: نخست این که انسان، از بروز گناه، اندوهگین باشد و قلباً راضی از کار منکر نبوده و از آن متنفر باشد. در این مرحله هیچ کس معاف نیست و حتی افراد ناتوان نیز باید از گناه متنفر باشند؛ زیرا اگر کسی راضی به عمل قومی باشد، در عمل آنان شریک است. در مرحله دوم، امر به معروف، با زبان به خلافتکار هشدار می دهد و به خوبی ها سفارش می کند، و مرحله سوم آن است که اگر بیان، اثر نکرد، با قدرت در برابر منکرات بایستد. این اعمال قدرت و خشونت باید بسیار سنجیده و حساب شده باشد تا موجب بروز هرج و مرج در جامعه و ایجاد منکرهای بزرگ تر نگردد. آثار فردی و اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر، آن قدر فراوان است که در قرآن و روایات، حساب این دو فریضه پربرکت از دیگر فریضه ها جدا شده است. بهره مندی از الطاف خداوند، نجات از قهر و غضب الهی، وفور نعمت های اقتصادی، کسب حلال، عزت و سرافرازی مؤمنین، سرکوبی و کنترل اشرار و برقراری نظم و انضباط اجتماعی، نمونه هایی از آثار و برکت های آن است. در بُعد فردی، کسی که امر به معروف باشد، خود، اهل معروف خواهد شد و خواه ناخواه، به رستگاری خواهد رسید و در بُعد اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر، ضامن بقای کلیه برکت های معنوی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه مسلمین است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره آداب امر به معروف و نهی از منکر فرمود: امر به معروف، نیازمند آن است که به حلال و حرام آگاه و از آن چه دیگران را امر و نهی می کند، خود، فارغ شده باشد. برای خلق، ناصح مهربان و با آنان رفیق باشد. با لطف و بیان خود، آنان را دعوت کند، اخلاق آنان را بشناسد تا با هر یک مناسب شأنش رفتار کند، به مکر نفس و نیرنگ های شیطان بینا و بر آن چه بدو رسد، شکبیا باشد و آنان را به سبب آن چه بدو رسیده، مکافات و از آنان شکایت نکند، خشونت نوزد و برای نفس خود خشمگین نشود. نیت خود را برای خدا خالص گرداند و از او یاری بخواهد و در پی رضایت او باشد. پس اگر با او مخالفت و در حقش جفا کنند، صبر پیشه کند و اگر با او موافقت کنند و سخنش را بپذیرند، سپاس گزاری کند و کار خود را به خدایش واگذرد و به عیب خویش بنگرد.

آزادسازی بیت المقدس توسط "صلاح الدین ایوبی" فرمانده مبارزان مسلمان (۱۱۸۷م) اولین مرحله جنگ های صلیبی از سال ۱۰۹۶م آغاز شد و چهار سال بعد با حمله سپاهیان صلیبی به بیت المقدس و اشغال، غارت و کشتار بی رحمانه هزاران نفر از زنان و مردان و کودکان بی گناه آن سرزمین پایان پذیرفت. در سال ۱۱۸۷م که حدود ۴۰ سال از پایان جنگ دوم صلیبی می گذشت، عکس العمل مسلمانان به نتیجه رسید. در این سال صلاح الدین ایوبی، پس از تصرف سوریه، لبنان و مصر، بیت المقدس را به محاصره درآورد. وی در ابتدا با ارسال پیامی برای اشغالگران، احترام خود به قدس و عدم تمایل به خونریزی در آن مکان را یادآور شد و خواستار ترك آن سرزمین توسط مهاجمان گردید و در امان بودن اموال آنان را تضمین کرد. اما صلیبیان نپذیرفتند و کارزار سختی آغاز گردید. از این رو نخستین حمله مسلمانان در نیمه رجب ۵۸۳ ق به وقوع پیوست اما بدون نتیجه ماند. سپس مسلمانان با ایجاد

تونل‌هایی از طریق دیوار شهر به داخل نفوذ کردند. در این زمان حاکم شهر تقاضای صلح نمود و تهدید کرد که اگر این تقاضا پذیرفته نشود تمامی بناهای مقدس اسلامی و مسیحی را به آتش می‌کشد و 5 هزار زندانی مسلمان را خواهد کشت. از این رو، قراردادی بین دو طرف منعقد شد که بر اساس آن اولاً شهر تسلیم سپاه صلاح‌الدین می‌شد و ثانیاً محاصره شدگان باید به ازای افراد خود فدیة بپردازند تا از اسارت آزاد شوند. بدین صورت در صبح جمعه 2 اکتبر 1187م بیت‌المقدس به آغوش اسلام بازگشت. صلاح‌الدین پس از ورود به بیت المقدس هیچ يك از بناهای مسیحیان را ویران نکرد و نسوزاند. وی همچنین سه روز پس از ورود به شهر، کلیسای شهر را به کشیشان سپرد و پادشاه بیت‌المقدس را آزاد کرد تا به اروپا بازگردد. با این حال، صلیبی‌ها بار دیگر برای اشغال بیت‌المقدس به این سرزمین هجوم بردند ولی موفق به تصرف آن نشدند.

زادروز گاندی، رهبر بزرگ و بانی استقلال هندوستان (1869م) موهنداس گاندی در تاریخ دوم اکتبر سال ۱۸۶۹ میلادی در روستایی در ایالت گجرات هند به دنیا آمد. هجده ساله بود که به راهنمایی یکی از دوستان خانوادگی، برای ادامه تحصیل به انگلستان فرستاده شد. در آغاز ورود به لندن نهایت کوشش خود را به کار برد که یک جنتلمن واقعی باشد، اما اقامت در لندن و آشنایی با محافل دانشگاهیان و شرق‌شناسان طبیعت ثانوی او را کامل کرد و از این جوان محبوب، یک مرد شرقی مبادی آداب، آرام و کامل ساخت. گاندی در سال ۱۸۹۱م به وطن بازگشت و در بمبئی به وکالت پرداخت و پس از چندی به عنوان وکیل یک شرکت تجاری مسلمان و هندی استخدام شد و در سال ۱۸۹۳م عازم شهر ناتال در آفریقای جنوبی شد. در آفریقای جنوبی او با مشاهده تبعیض نژادی، به خصوص در قبایل اقلیت هندی‌تبار این کشور، نهضت مبارزه با تبعیض نژادی را پایه گذاشت. او خاطره تلخ کتک خوردن مأمور قطاری را که به او اجازه داد در کوچه درجه یک بنشیند تا پایان عمر فراموش نکرد. گاندی، سال ۱۹۱۷م در حالی به وطن برگشت که شهرت خاص و عام یافته بود. ناشناس از وطن رفته و سرشناس برگشته بود. وی از حدود سال‌های بعد از جنگ جهانی اول تا بعد از جنگ جهانی دوم یعنی حدود ۳۳ سال، بی‌وقفه برای نجات مردم خود و استقلال کشورش از یوغ انگلیسی‌ها مبارزه کرد تا بالاخره بعد از تحمل رنج‌های فراوان در این راه و همراهی افرادی چون «جواهر لعل نهرو» در آگوست ۱۹۴۷م کشور هند را به استقلال و مردمش را به آزادی رسانید. گاندی پس از اعلام استقلال، حاضر به قبول مقامی در حکومت هند نشد و رهبری کنگره را به نهرو داد. شیوه مبارزاتی مهاتما گاندی در نوع خود در جهان بی‌نظیر بوده است. شیوه مبارزه او امروزه در جهان به عنوان یک الگو و فلسفه مطرح است، او همیشه بر حقیقت، صلح و عدم خشونت برای رسیدن به مقاصد تأکید فراوان داشت. بعد از ظهر روز ۳۰ ژانویه ۱۹۴۸م، تنها پنج ماه پس از استقلال هند، هنگامی که مهاتما گاندی از خانه موقت‌اش در دهلی به طرف یک جلسه دعا می‌رفت، از ناحیه شکم و سینه توسط یک جوان متعصب هندو، هدف سه گلوله قرار گرفت و در سن هفتاد و نه سالگی جان سپرد. کتاب «تجربیات من از حقیقت» از جمله آثار گاندی است.